

زن ایرانی و تبعیض در تحقیق!

از: همیرا زمانی فراهانی

امروزه نقش پژوهش از یک عامل فزاینده رفاه فراتر رفته و به تنها راه باقی ماندن در عرضه حیات، و حضوری مؤثر، در دنیای پرتکاپوی تکنولوژی و پیشرفت مبدل شده است، بطوری که با وجود رکود کم نظیر و فراگیر

فعلی اقتصاد جهانی که به کاهش قابل توجه بودجه نظامی، رفاهی و سرمایه گذاری صنعتی انسجامیده است، کشورهای توسعه یافته نه تنها بودجه تحقیقات علمی خود را کاهش نداده اند، بلکه به عنوان عامل مؤثر در خارج شدن از رکود، بدان افزوده اند، و این نمایانگر اهمیت زیادی است که برای این امر قائلند. در جهان امروز تصور توسعه خوداتکاء و درازمدت به هیچ وجه بدون انجام تحقیقات ممکن نیست و تحقیقات بصورت امری ضروری و یکی از ارکان لازم برای توسعه سالم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تلقی می شود.

در همین راستا؛ نیروی انسانی شاغل در بخش پژوهش از مهمترین منابع یک کشور برای رشد و توسعه به شمار می رود، و بررسی امر

تحقیقات بدون ارزیابی دقیق این عامل امکان پذیر نیست. وقتی زنان ما جمعیتی برابر با نصف کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند و سال به سال بر تعداد فارغ التحصیلان زن در سطوح عالی افزوده می شود و هر چه بیشتر از دست آورده های تحقیقاتی محققین زن، این گروه اقلیت، اطلاع حاصل می کنیم، بر اهمیت موضوع

بیشتر آگاهی می یابیم، لذا این موارد و فراوان نکات دیگر است که مشارکت بانوان را در زمینه تحقیق، امری مشخص و قابل باور و تأکید و بررسی می سازد.

شاید طرح موقعیت زنان محقق در کشور ما که به اعتراف عموم محققان در زمینه انجام تحقیقات و استفاده از نتایج آن حداقل ۱۰۰

زنان محقق مهم جلوه نکنند، ولی وجود جمعیت زنان برابر با نصف مردان، موفقیت چشمگیر آنها در تحصیلات عالی، اهمیت و حساسیتی که به نقش زن در سطح دنیا و بالطبع در ایران داده می شود، اجازه می دهد نگاهی به مشکلات زنان پژوهشگر در کشورمان بیندازیم.

زنان محقق نیز گروهی از زنان فعال جامعه

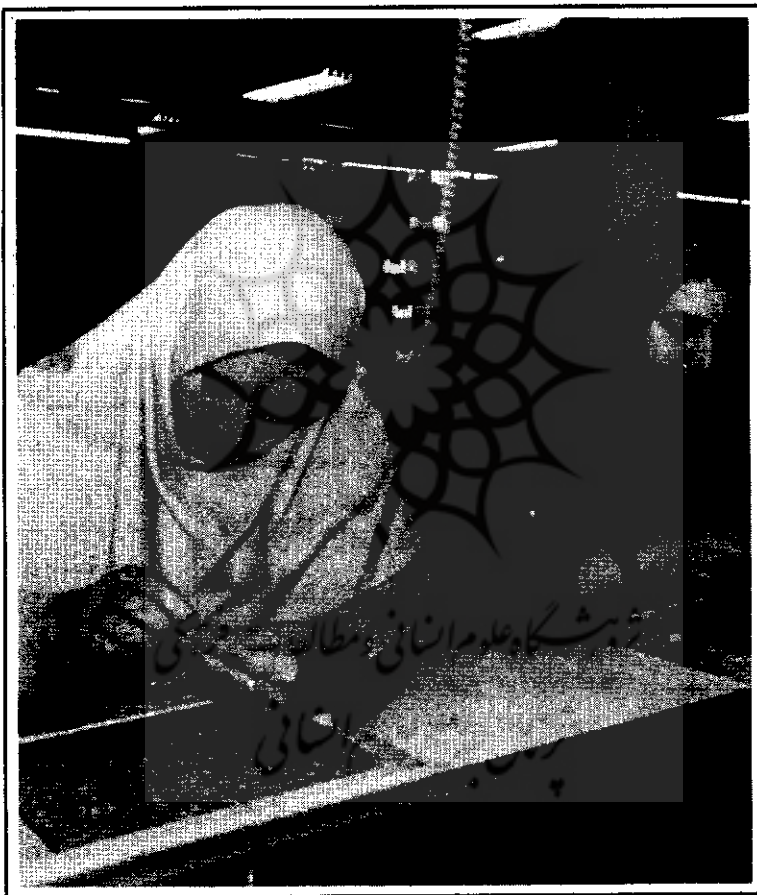
هستند که با همه تلاش و کوشش و دقت و علاقه ای که به کارشان دارند، هنوز مورد بی توجهی قرار می گیرند.

اصولاً ریشه بسیاری از مسائل این گروه از زنان، ناشی از دیدگاه و نگرش جامعه نسبت به زن و جایگاه اوست، از همین روست که می بینم که از وجود زنان محقق ما با وجود داشتن یک سری تواناییها - مثل صبر، شکیبایی، پشتکار، دقت عمل و ریزیبی که در واقع از ویژگیهای اساسی فرد محقق است - آن گونه که لازم است در کار تحقیقات استفاده نمی شود.

دیدگاه جامعه نسبت به زن و نحوه استفاده از نیروی او، در واقع عامل اساسی و عمده ای است که

باعث شده حتی در عرصه هایی که فعالیت تحقیقاتی بیشتری جریان دارد، عده زنان محقق رقم ناچیزی نسبت به مردان باشد. حتی در رشته های علوم انسانی، به دلیل ماهیتی که دارند، عده خانم های داوطلب تحصیل به اندازه آقایان و یا حتی بیشتر از آنها است ولی در همین رشته ها هم عده زنان محقق کم است. یک

سال از کشورهای پیشرفته عقب تر است، امری کاملاً فرعی محسوب شود. در جایی که حدود نیم درصد از درآمد ملی ما، به امر تحقیقات اختصاص می یابد و حداقل نیرو و امکانات به این کار تخصیص داده می شود، و تصمیم گیرها و سیاست گزارهای حیاتی مبتنی بر تحقیقات همه جانبه نیست، شاید پرداختن به موقعیت



علت عمده این است که بخشی از کار محقق این رشته‌ها در ارتباط با جامعه است و لذا باید حوزه فعالیتش فراتر از یک اتاق در بسته باشد که در همین مورد مشکل اساسی خانم محقق نمود پیدا می‌کند.

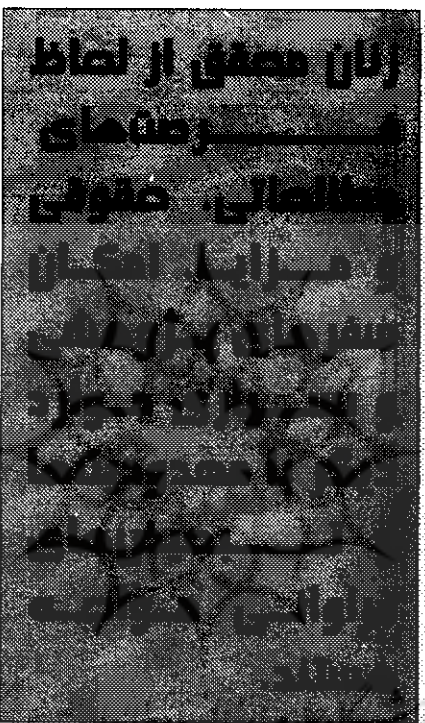
خانمی محقق در راستای تجربه کاری خود در ارتباط با جانبازان به یکی از بنیادها دعوت شده بود. از مشکلات عدیده او طی ۶ ماه همکاری، یکی این بود که اولاً یک زن به بنیاد آمده و برای کار تحقیق هم دعوت شده است و ثانیاً برای کار تحقیقی خود به سفر رفته است. در نتیجه این خانم محقق را که عضو هیئت علمی دانشگاه بود بار دیگر مورد گزینش قرار دادند و در مورد ایشان و سوابقش تحقیق کردند به جز این، فردی که از ایشان دعوت کرده بود مرتباً از طرف دیگران مورد فشار و بازخواست قرار می‌گرفت و در نتیجه اینکار تحقیقی که شاید ثمره بسیار مطلوبی برای جانبازان داشت با یک تعامل دوجانبه رها شد!

مقررات محدودکننده

مقررات و بخشنامه‌هایی که مؤسسات تحقیقاتی در مورد حوزه فعالیت خانم‌های محقق دارند، اغلب عرصه فعالیت آن‌ها را محدود می‌کند و بر کیفیت کارشان نیز تأثیرگذار است. خانم‌های محقق که در دوایر دولتی کار می‌کنند می‌گویند که اصولاً در دستگاه‌های دولتی برای انجام کارهای تحقیقاتی به خانم‌ها کمتر اجازه می‌دهند از محیط اداری خارج شوند. برای آنان کمتر خروج از شهر تهران و امکان مسافرت وجود دارد، و برای این گونه تحقیقات، از آقایان استفاده می‌شود، گویی کلیه امور میدانی تحقیق به آقایان تخصیص دارد، و برای این گونه ممانعت‌ها معمولاً دلایلی چون عدم وجود امکانات لازم جهت تأمین امنیت خانم‌ها و یا عدم پذیرش آن‌ها از جانب مردم بومی ذکر می‌شود.

یک خانم باستان‌شناس (خانم م.ا) با ۲۰ سال سابقه کار در سازمان میراث فرهنگی گفته است: «سازمان میراث فرهنگی در مورد خانم‌های باستان‌شناس مقرر کرده است به استثناء فعالیت در محدوده شهر تهران، در

سایر نقاط کشور به هیچ وجه کار عملی انجام ندهند و علت آن را این دانسته‌اند که یک باستان‌شناس باید در بیابان چادر بزند و مدتی در چادر زندگی کند و ممکن است جو حاکم بر جامعه چنین چیزی را برای خانم‌ها نپذیرد، ولی باید گفت در محیط‌های روستایی که زن و مرد با هم کار می‌کنند اصولاً حضور یک زن در کنار مردان برای انجام کار پذیرفته شده است، ولی ما خودمان این موضوع را به صورت مشکل و مسئله در می‌آوریم.»



خانم ا.خ محقق در زمینه فیزیولوژی و دانشجوی دکترای همین رشته در ژاپن می‌گوید: «این طور نیست که برای خانم‌ها هیچ مشکلی از جهت طی مدارج عالی وجود ندارد زیرا وقتی که لازم باشد برای ادامه تحصیل به خارج بروند عرصه‌ها تنگ‌تر می‌شود، چرا که خانم‌ها از نظر «قانونی» حق خروج از کشور را به تنهایی ندارند و قوانین دست و پاگیری در این زمینه وجود دارد، و با دادن بسیاری از بورس خانم‌ها به همین دلیل مخالفت می‌شود، و زمانی که مسأله مسافرت‌های کوتاه خارج از کشور مطرح می‌شود، باز این خانم‌ها هستند که اول از همه از گردونه خارج می‌شوند.»

مثلاً به خانم (س.ر) که جزو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان است دوبار بورس تحصیلی تعلق گرفت ولی به علت عدم تأهل نگذاشتند از بورس استفاده کند وقتی که ایشان متأهل شد اقدام را خیلی دیر توصیف کردند. خانم محقق از مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران (خانم م.ف) معتقد است که در رشته بیوشیمی مشکل خاصی از جهت پذیرش خانم‌ها وجود ندارد، زیرا خانم‌ها در این رشته به دلیل ظرافت‌هایی که دارد و حوصله‌ای که می‌طلبد، اغلب موفق‌تر عمل می‌کنند ولی با این وجود، تنگ‌نظریهایی وجود دارد که مانع از رشد زنان در این رشته می‌شود. برخی از قبولی‌های دوره‌های بالاتر را از میان خانم‌ها حذف می‌کنند در حالی که ۵۰ درصد اعضای هیأت علمی در این رشته خانم‌ها هستند. علاوه بر این که در شرایط مساوی برای استخدام، این زن‌ها هستند که حذف می‌شوند.

مطابق با مقررات موجود اغلب دواتر و مؤسسات دولتی، محققان زن مجاز به استفاده از فرصت‌های مطالعاتی و شرکت در مجامع بین‌المللی نیستند مگر این که با همراهی همسرشان از فرصت علمی استفاده کنند ولی اگر این الزام میسر نشد، نتیجه آن صرف نظر کردن از فرصت مطالعاتی است، ولی اخیراً با پیگیریها و پافشاری‌های زیاد، زنان توانسته‌اند در سمینارهای چند روزه که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود شرکت کنند. از هر ۱۰ سفر حداکثر ۲ مأموریت به خانم‌ها اختصاص دارد و آن هم اغلب در گروه‌های چند نفری، و ما بقی مسافرت و مأموریت‌ها از آن آقایان محقق است. از جانب دیگر، مزایای مالی برای زن و مرد محقق متفاوت است، مثلاً در تحقیقات اجتماعی به آقایان محقق به دلیل این که سرپرست خانواده هستند و افرادی را تحت تکفل دارند، حقوقی چند برابر زنان محقق پرداخت می‌شود.

در زمینه امور پژوهشی گیاه‌شناسی نیز محدودیت‌های زیادی وجود دارد. کار یک گیاه‌شناس انجام سفرهایی به نقاط مختلف کشور و جمع‌آوری گیاهانی است که در این مناطق می‌روید، اما زنان گیاه‌شناس که به فعالیت

تحقیقاتی مشغولند اجازه مسافرت ندارند. اصولاً برای مسئولان مرکزی که در آن کار می‌کنند این که یک زن، با راننده وسیله نقلیه برای جمع‌آوری گیاه به جاهای مختلف سفر کند امری غیرقابل پذیرش است، از این رو کار ایشان به یک آزمایشگاه منحصر شده است. گیاه‌شناسی و جمع‌آوری گیاه هم در ایران یک کار مردانه قلمداد می‌شود.

کارشناس دیگری در زمینه کشاورزی (خانم م.ف) با ۲۰ سال سابقه تخصص و تحقیق در زمینه کاری خود عقیده دارد که مزارع آزمایشی، چون از محل کار بسیار دورتر است، لذا بسیاری از اوقات ایجاب می‌کند که مسئول یک طرح در فرصت‌های مختلف به این مزارع رفته و از پیشرفت کارها بازدید داشته باشد ولی طبق قوانین محل کار، یک خانم حق ندارد با ماشین اداره رانندگی کند و به مزارع برود و برگردد، ولی اگر در همین ارتباط از ماشین شخصی خود استفاده کند و به مأموریت برود مشکلی نخواهد داشت.

زنان محقق که در زمینه‌های کشاورزی فعالیت می‌کنند در اعتراض به موانع و محدودیت‌هایی که به دلیل زن بودن برایشان ایجاد می‌شود، از مسئولان سؤال می‌کنند که چرا یک خانم در روستاهای ما می‌تواند به راحتی آستینش را بالا بزند و پابه پای یک مرد، در زمینهای کشاورزی کار کند، اما اگر این زن محقق کشاورزی شد و توانست با طرح و برنامه به کار بپردازد باید او را محدود کرد و دائماً به گوشش خواند که در این امور انسانی ناتوان است و از عهده کارها بر نمی‌آید؟

آقا بالا سر در تحقیقات!

- زنان محقق باید توانایی خود را ثابت کنند تا طرحی به آنان، ارجاع شود، در حالی که یک مرد محقق، بلافاصله بعد از ادای لفظ «می‌توانم» به امکانات لازم دسترسی می‌یابد. اگر زن محقق در اجرای طرحی موفق نشود، مورد سرزنش بسیار قرار می‌گیرد، ولی با شکست یک محقق مرد در یک طرح به طور طبیعی برخورد می‌شود و این برخورد را هم چنین توجیه می‌کنند که بله... ممکن است طرحی هم با شکست مواجه شود. زنی می‌تواند موفق شود که بخواد، و گرنه هیچ کس از او حمایت نمی‌کند،

نه پدر و نه مادر و نه جامعه، چرا که برای یک زن ضرورتی نمی‌بینند که دست به طرحهای تحقیقاتی بزند. زنان باید تمام این ناملازمات را به جان بخرند تا بتوانند خود را تثبیت کنند، زنان در محیط کار دیرتر پذیرفته می‌شوند و با طرحهای تحقیقاتی آنان با شک و تردید برخورد می‌شود. در ارزیابی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که اصولاً به فعالیتهای زنان محقق اهمیت لازم داده نمی‌شود. با وجود این که محققان زن عموماً در انجام وظایف خود با دقت و توجه و کارایی بالایی فعال هستند، اما اغلب به آنها به دید یک موجود ضعیف و ناتوان نگاه می‌شود.

خانم (زا) محقق در زمینه مهندسی پزشکی می‌گوید: «ما در واقع کسانی هستیم که هر گونه واکنش و عملکردمان ملاک قضاوتی است در مورد افرادی که می‌خواهند بعد از ما وارد جامعه تحقیقات علمی شوند. همین احساس مسئولیت در قبال دیگران ما را وادار می‌کند که دقت عمل و پشتکار بیشتری داشته باشیم، و اوقاتی فراتر از آن چه که لازم است، به تحقیقات خود اختصاص دهیم. مشکل دیگر ناباوری نسبت به کارایی یک زن محقق، در تحقیقاتی است که به صورت گروهی توسط خانمها انجام می‌شود، لذا حتماً یک همکار مرد هم پایه، به عنوان عضو و یا به عنوان مشاور تعیین می‌کنند. مسئولان در واقع با این عملشان نشان می‌دهند که به نتایج کاری که صرفاً توسط خانمها انجام می‌شود بی‌اطمینان هستند و صحت آن کار را، فقط در حضور فیزیکی یک مرد محقق در کنار خانمها می‌بینند، این مسئله گویای عمق باورهای سنتی غلط در مورد میزان توانایی مردان نسبت به زنان در امور مختلف، از جمله فعالیت‌های فکری است.»

علاوه بر محدودیت‌هایی که در اغلب ادارات و مراکز تحقیقاتی برای زنان محقق وجود دارد، آنها در ارتباط با دوائری که به نوعی با کار تحقیقاتیشان مربوط است و مجبور به مراجعه به آنها هستند نیز دچار مشکل می‌شوند. اغلب خانم‌هایی که در زمینه‌های مختلف تحقیق می‌کنند به لحاظ نوع کارشان باید با مسئولان و یا ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف تماس بگیرند، اما افراد و مراکز مورد

تماس آنها، اصولاً به این زنان به چشم یک محقق (صرف نظر از جنسیت او) نگاه نمی‌کنند. در چهره کسانی که برای کار تحقیق به آنها مراجعه می‌شود همیشه حالتی از تعجب و ناباوری دیده می‌شود، گویی به زبان بی‌زبانی می‌گویند: مگر تو بچه و خانه و زندگی نداری؟ چرا خانه و زندگی را رها کرده و به اینجا آمده‌ای؟ زنان محقق عقیده دارند، کسانی که در ادارات دیگر باید جواب‌گویی سئوالات و درخواستهای آنها باشند نه با تحقیق آشنایی دارند و نه حاضرند بپذیرند که یک زن می‌تواند خارج از خانه خود و در محلی غیر از مکان زندگی و کار روزانه حاضر شود و انجام وظیفه کند.

در هر حال اگر چه بسیاری از دستگاههای دولتی و مسئولین ترجیح می‌دهند به جای یک زن، یک مرد برای انجام امور تحقیقاتی به آنها مراجعه کند، اما این موضوع در مورد مردم عادی متفاوت است. مردم عادی بخصوص روستائیان با زنان محقق، خصوصاً در حوزه‌های علوم اجتماعی، راحت‌تر حرف می‌زنند و مسائلشان را برای زنان بهتر می‌شکافند.

مسئولیت در خانواده

- مشکل دیگری که زنان محقق با آن درگیر هستند به مسئولیت‌های آنان در حوزه خانواده ارتباط پیدا می‌کند از آن جا که شیرازه تحقیق مبتنی بر تفکر و صرف انرژی فکری است و این مسئله در قالب زمان نمی‌گنجد، لازم است که محقق اوقاتی غیر از ساعت‌های اداری را نیز صرف این کار کند، بنابراین چه بسا که لازم باشد خانم‌های محقق در زمینه کارشان، شبها تا دیروقت، و یا حتی در روزهای تعطیل به تحقیق و تفحص بپردازند، اما این مسئله، با وظایفی که در خانواده به طور سنتی از دیرباز بر دوش زنان نهاده شده است، هماهنگی ندارد.

بنابراین زنان محقق در صورتی که اعضای خانواده‌شان به درک درستی نسبت به جایگاه آنها و محدوده وظایفشان در خانواده نرسیده باشند، از این ناحیه با مانع بزرگی روبرو می‌شوند.

